

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان
فرستنده: نسترن نصرتی
۱۱ سپتمبر ۲۰۲۰

چه کسی می‌خواهد لوکاشنکو را سرنگون کند؟



مطبوعات غربی خانم «سوتلانا تیخانفسکایا» را به عنوان برنده انتخابات ریاست جمهوری بلاروس معرفی می‌کنند و رئیس‌جمهور لوکاشنکو را به خشونت، خویشاوندسالاری و تقلب در انتخابات متهم می‌نمایند. اما تحلیلی از وضعیت کشور ثابت می‌کند که سیاست رئیس‌جمهور آن واقعاً مطابق با خواست‌های مردم این کشور است. در پس این دعوای ساخته و پرداخته روح مایدان اوکرائینی و قطع رابطه با روسیه در پرواز است.

سوتلانا تیخانفسکایا توانسته هزاران لیبرال و همچنین نئونازی‌ها را علیه رئیس‌جمهور لوکاشنکو متحد کند. یکی از اهداف کودتای مایدان (اوکرائین ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴) این بود تا ساختمان جاده ابریشم را در اروپا مسدود کند. واکنش چین تغییر مسیر راه بود که به بلاروس منتقل شد. از این زمان مینسک کوشش می‌کند تا خود را در مقابل بی‌ثبات کردن‌های مشابه حفظ کند، به این صورت که سیاست متعادلی در مقابل غرب اتخاذ کرد، هم در مانورهای نظامی با مسکو شرکت نمود و هم اعلام کرد که می‌تواند اسلحه در اختیار داعش که مسکو در سوریه با آن مبارزه می‌کند، بدهد.

با وجود این اعوجاجات در مینسک، سازمان سیا در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ این کشور دخالت کرد. «سوتلانا تیخانفسکایا» رئیس‌جمهور را که دوره ریاستش به پایان می‌رسید و خود را برای دوره ششم ریاست جمهوری نامزد

می‌کرد، به نبرد فرا خواند. او پس از این‌که تنها ۱۰٪ آراء را به دست آورد، گفت تقلب شده و به لیتوانی گریخت و آنجا از طرف «برنارد آنری لوی» استقبال شد. مطبوعات غربی یکصدا «دیکتاتور» را محکوم کردند و اعلام نمودند که خانم «تیخانفسکایا» پیروز انتخابات است.

واقعیت بسیار بغرنج‌تر است.

اولاً، امکان دارد که انتخابات به نفع رئیس‌جمهور وقت دستکاری شده باشد ولی بسیار غیرمحمتم است که تیخانفسکایا به اکثریت آراء نزدیک شده باشد، زیرا آنچه که او معرف آنست برای اکثریت مردم بلاروس غریبه است. تقریباً ۳۰ سال در مورد هویت اروپائی کشور بحث و گفت‌وگو در جریان است: آیا این کشور از نظر فرهنگی بیش‌تر به اروپای غربی هوادار ایالات متحده نزدیک است و یا به اروپای اسلاوی هوادار روسیه؟ بی‌شک پاسخ این است که روس‌های سفید از نظر فرهنگی روس اند، هر قدر هم که برخی از آن‌ها دقیقاً همان زبان را صحبت نمی‌کنند. دو اقلیت کوچک مبین عقاید متفاوتی هستند: اولی با اشاره به جمهوری خلق کوه‌عمر بلاروس (۱۹۱۸ - ۱۹۱۹) که ارگان رهبری آن در مهاجرت طی جنگ دوم جهانی با نازی‌ها همکاری می‌کرد و سپس در شبکه Stay-Behind با ناتو همکاری می‌نمود، خود را «ملی‌گرا» می‌نامد و گروه دوم خود را هوادار مدل لیبرالی و اتحادیه اروپائی معرفی می‌کند. خلاف اوکرائین که از دو منطقه متفاوت فرهنگی (هوادار المان در غرب و هوادار روسیه در شرق) تشکیل می‌شود، بلاروس خود را اساساً روس می‌شناسد ولی از نظر سیاسی خود را مستقل از مسکو می‌داند.

ثانیاً، اگر در مورد نقش سازمان سیا شک و تردیدی وجود داشته باشد، پیدا شدن سر و کله «برنارد آنری لوی» این تردید را فوراً برطرف می‌کند. این وارث ثروتمند یک شرکت واردات چوب گرانبها بالا رفتن از نردبان ترقی را با نوشتن مقالات ضد شوروی آغاز کرد. ناشر آثارش او را به عنوان «فیلسوف نو» معرفی کرد و امروز او «فیلسوف» محسوب می‌شود. او «مبارزان راه آزادی» را، یعنی مزدوران عرب اخوان‌المسلمین در افغانستان علیه شوروی از جمله رهبر آنان اسمه بن‌لادن، مورد حمایت قرار داده بود. او به نفع «کنترا»ها در نیکارآگوتنه یعنی برای مزدوران امریکای لاتینی آقای «جان نگرپونته» که به وسیله ایران و از طریق هاشمی رفسنجانی مسلح شدند، موضع‌گیری کرده بود. او افتخار می‌کند که مشاور مطبوعاتی رئیس‌جمهور بوسنی «علی عزت‌بیگ‌ویچ»، فردی که در گذشته هوادار نازی‌ها بود و نومحافظه‌کار امریکائی، «ریچارد پرل» را به عنوان مشاور سیاسی خود انتخاب کرده بود، بوده است. به خاطر می‌آورم که فیلسوف نامبرده وقتی در مصاحبه با من توضیح می‌داد که برای سرنگونی «دیکتاتور» سلوبودان میلوسویچ باید بلگراد را بمباران کرد، چقدر مرا متعجب کرده بود. درست نمی‌فهمیدم که چرا برای او «عزت‌بیگ‌ویچ» هوادار نازی یک «دمکرات» بود در حالی‌که میلوسویچ کمونیست «دیکتاتور» محسوب می‌شد.



به هر حال، بازگردیم به «برنارد آنری لوی» که امروز در فرانسه BHL نامیده می‌شود. او مدافع اخوان المسلمین چینی بود که در سرزمین روسیه امارات اسلامی ایچکریا را تأسیس کردند. طبق گزارشی از سازمان اطلاعات لیبیا او در ملاقاتی که سناتور امریکائی «جان مککین» در فیبروری ۲۰۱۱ در قاهره سازمان داده بود تا در مورد جزئیات اقدامات جهت سرنگونی «رژیم قذافی»، که در آن زمان به عنوان نمونه انجام شد، بحث صورت گیرد، شرکت داشت. مردم فرانسه متعجب شدند که به جای وزیر امور خارجه فرانسه اکنون او جلو قصر الیزه ظاهر شده و اقدامات کشور خود را علیه «دیکتاتور» (همه کسانی که باید سرنگون شوند - و فقط آنها - «دیکتاتورند») بیان می‌کند. البته او در مایدان کیف هم طی «انقلاب رنگینی» که به وسیله نازی‌های واقعی به اجراء درآمد، حضور داشت.



آکساندر لوکاشنکو، یتیم و در یک مزرعه تعاونی به دنیا آمد و ماهرترین دولتمرد اروپا شد

با وجود این تأملات شاید روس‌های سفید انتقاداتی به رئیس‌جمهور لوکاشنکو داشته باشند ولی نه به سیاست‌های او. همه کسانی که با این کشور آشنا هستند فارغ از این‌که موافق و یا مخالف رئیس‌جمهور باشند، اذعان می‌کنند که سیاست‌های او با نگرانی‌های مردم تطابق دارد. همه کسانی که از نزدیک او را می‌شناسند تحت تأثیر هوش و ذکاوت و جذب و فسادناپذیری او قرار گرفته اند. کسانی که او را متهم می‌کردند که نزدیکی او به روسیه از روی حسابگری‌های سیاسی و نه از روی اعتقاد است، ولی وقتی او با وجود دست رد خوردن از مسکو و جنگ گاز غیرقابل باور بین دو کشور موضع خود را تغییر نداد، اعتراف کردند که تعبیرشان غلط بوده است. وقتی او به رئیس‌جمهور یلتسین اتحاد با روسیه را پیشنهاد کرد و قدرت یلتسین را به خطر افکند همه از توانایی‌های فوق‌العاده او متعجب شدند.

اصلی‌ترین اتهامی که می‌توان به رئیس‌جمهور لوکاشنکو وارد کرد این است که او چندین رهبر اپوزیسیون را سر به نیست کرده است. اتهامی که او به شدت رد می‌کند، زیرا او این شخصیت‌ها را متهم می‌کند که با سازمان‌های بزهکار مرتبط بوده اند که برای آن‌ها خطرناک شده بودند.

سال‌ها مخالفان او، او را متهم می‌کردند که او روی دوش مردم به ثروت‌اندوزی شخصی مشغول است بدون این هرگز سندی برای اثبات اتهامات خود ارائه کنند. همه شرکت‌های بین‌المللی می‌دانند که پورسانتی که پس از عقد قرارداد پرداخته می‌شود در بلاروس هرگز بیش‌تر از ۵٪ نیست، در حالی‌که در ایالات متحده ۱۰٪، در روسیه یلتسین ۵۰٪ (در دوران پوتین ۱۰٪) و در ایران ۶۰٪ است. باید قبول کرد که لوکاشنکو انگیزه مالی ندارد و به خاطر عدم وجود

ارتشاء تبلیغات غربی بنا بر احتیاط او را متهم به رانت‌خواری و خویشاوندسالاری به نفع فرزند جوانش «نیکلای» می‌کنند.

تنها اتهامی که می‌توان به او وارد کرد این است که به طور منظم اظهارات ضدسامی و همجنس‌گرا هراسی از خود بروز می‌دهد، ولی هرگز از اقدامات ضد سامی و یا همجنس‌گرا هراسی حمایت نکرده است و متأسفانه از این طریق راه رهبران پیشین کشور را دنبال می‌کند.

از آغاز بحران رئیس‌جمهور لوکاشنکو مدعی است که اپوزیسیون خانم «سوتلانا تیخانفسکایا» و هم‌پیمانانش یک معضل ژئواستراتژی یک شرق و غرب است ولی این اپوزیسیون ادعا می‌کند که در خدمت هیچ قدرت خارجی نیست.

گذشته از حضور برنارد آنری لوی علایمی دال بر این که آلکساندر لوکاشنکو حقیقت را می‌گوید، موجود است.

• گروه عملیاتی روانشناسی نیروهای ویژه پولندی ظاهراً از آغاز بحران در خدمت خانم تیخانفسکایا به شدت فعالیت می‌کنند.

• شبه نظامیان نازی اوکرائینی نیز در این جریان شرکت دارند.

• و دست آخر، دولت لیتوانی که میهمان‌داری خانم تیخانفسکایا را عهده‌دار می‌باشد.

به عکس مایدان اوکرائینی، در اینجا هیچ اثری از اتحادیه اروپائی نیست. یعنی به احتمال زیاد واشنگتن بازیگران منطقه (پولند، اوکراین و لیتوانی) را علیه دنیای اسلاوها تحمیق و دستکاری می‌کند.

به هر حال، رئیس‌جمهور روسیه بتازگی یک گردان ذخیره ایجاد کرد که قادر است در بلاروس دخالت کرده و از نهادها و مؤسسات و رئیس‌جمهور لوکاشنکو حمایت به عمل آورد، هر چند هم که روابط بین این دو مرد برخی اوقات بسیار پرتضاد بوده است.

منبع: شبکه ولتر

تارنگاشت عدالت